بسم‌الله الرحمن الرحیم

[انواع گفتارها 2](#_Toc431728283)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc431728284)

[شکل قانونی ادله 2](#_Toc431728285)

[لزوم فحص متعارف 2](#_Toc431728286)

[علم ائمه طاهرین به سیر تاریخی احادیث 3](#_Toc431728287)

[وجود مهندسی کلان بر جریان اخبار 3](#_Toc431728288)

[دلیل ارتکاز اصحاب و روات 4](#_Toc431728289)

[دلیل سوم 4](#_Toc431728290)

[پیش‌فرض‌های مخاطبین 4](#_Toc431728291)

[جمع‌بندی 5](#_Toc431728292)

[اجزای فقه عقلی 5](#_Toc431728293)

[رابطه اخبار خاصه و عامه 5](#_Toc431728294)

[نظریه سوم 5](#_Toc431728295)

# انواع گفتارها

# مرور بحث گذشته

دیروز گفته شد که سه نوع بیان در گفتارها وجود دارد و روایات از نوع قانونی هستند و دراین‌بین لازم است به قرائن عقلایی و روشن تکیه نمود اما این منافاتی با استفراغ وسع که در روایات بر عهده ما گذاشته‌شده ندارد. که مراد از آن فحص معمولی و متعارف است.

این ارتکازات محدود به زمان ما نیست و در زمان صدور روایت نیز وجود داشته است. مقدمات اخیر از مباحث اساسی است که در امر اجتهاد تأثیرگذار است.

## شکل قانونی ادله

اصل این است که ما این نصوص روایی و اخبار و احادیث را از شرایط زمان و مکان و امور حافه به صدور آن نص، مستقل تفسیر کنیم. و در حقیقت بر اساس همان مبنایی که در اصل قبل هم اشاره شد، این اصل شکل می‌گیرد و آن مبنا این بود که این نصوص اخبار و روایات نصوصی است که از قبیل نصوص قانونی و حقوقی است. و در نصوص قانونی و حقوقی و جعل قوانین و مقررات، یا در فضای شرعی ابلاغ احکام و مقررات، قاعده این است که از این حواشی کاملاً این مطلب جدا می‌شود.

##  لزوم فحص متعارف

این حواشی به‌نوعی است که به شکل قرائن خیلی واضح عقلی، عقلایی، لبی و به‌صورت مدلول چسبیده به متن است، یا اینکه در خود متن اشاره می‌کند. شکل آن مصرح یا به نحو مدلول التزامی است، اما اگر این‌طور نباشد، اصل این است که آن‌ها دخالتی ندارند. این از مجموعه فضای روایات و طوائف گوناگونی از اخبار که در باب این نوع روایات واردشده است، استفاده می‌شود. منتها دیروز عرض کردیم این امر منافات ندارد بااینکه ما در مقام استفراغ وسع مکلفیم به شکل متعارف و معمولی فحص از آن اوضاع‌واحوال داشته باشیم، و این کار را باید در حدی که متعارف است انجام داد.

 ممکن است در این فحص هم اتفاقاً به نکاتی و مواردی برخورد کنیم که در فهم معنا مؤثر است، اما در همان شکل متعارف است.

## علم ائمه طاهرین به سیر تاریخی احادیث

 اگر رسیدیم به چیزی که رسیدیم اگرنه مانعی وجود ندارد. ضمن اینکه به این نکته هم باید توجه داشت که استدلال کلامی بر مسئله موجود است و آن اینکه ائمه طاهرین صلوات الله اجمعین واقف بودند که اخبار و روایاتشان بناست در چه کانال و جریان قرار بگیرد و بناست عصر و زمان‌ها بر آن بگذرد و درعین‌حال باید باقی بماند.

##  وجود مهندسی کلان بر جریان اخبار

بنا بر اصول پایه اعتقادی ما بایستی بگوییم یک نوع مهندسی کلان بر جریان اخبار و روایات وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر این اصلی که ما اینجا می‌گوییم علاوه بر آن شواهد نقلی که در روایات دارد، و علاوه بر ارتکاز فقهی و متشرعی که از زمان غیبت صغری و قبل از آن تا امروز بوده است، علاوه بر این موارد یک نوع استدلال عقلی و کلامی هم در اینجا وجود دارد.

 یعنی اصلی که الآن عرض می‌کنیم در حقیقت سه نوع دلیل بر آن وجود دارد. یکی شواهد نقلی که در روایات است که می‌گوییم کلمه به کلمه روی حساب بیان‌شده است، لذا نصوص این‌ها قانونی است، و از مجازات، کنایات و این احتمالات دور است که اصل قبل بود و هم اینکه عصر صدور آن‌ها تأثیر ندارد، این جدای از آن قانون‌گذاری می‌شود، این نشانه‌ها و علائمی است که از خود روایات می‌شود استفاده کرد.

## دلیل ارتکاز اصحاب و روات

دلیل دوم هم که سابقاً اشاره کردیم، ارتکازات موجود در این زمینه است. ارتکازاتی که امروز نیست. این ارتکازات از همان عهد حضور ائمه وجود داشته است. یعنی اصحاب، روات و محدثین برخوردشان با روایات برخورد این نبوده که امام چیزی در کوفه فرمودند، بعدازآن باید همه اوضاع‌واحوال آن زمان را بفهمیم و بعد هم بگوییم صد شرط در این حکم یا بیان بوده است و نص را از ارزش ساقط کنیم.

لذا اصل این بوده که تعاونشان با این حدیثی که زراره نقل یا دیگری نقل کرده است، به‌عنوان یک متن بریده از این اوضاع‌واحوال است. اوضاع‌واحوال نقش مقید و مخصص را ایفا نمی‌کند.

## دلیل سوم

 علاوه بر این دو نشانه‌ای که وجود دارد، دلیل سوم بر این اصل و همین‌طور اصل قبلی این است که شاید ازنظر کلامی هم بشود بگوییم بر اساس آن نگاهی که ما به امام داریم و اینکه امام اعصار متأخر را می‌بیند و با عنایت هم ابلاغ می‌کنند برای همه اعصار، گویا مهندسی‌ای در کل این قصه وجود دارد. به اینکه هر چه می‌خواهیم بگوییم دخیل در این حکم است، بر این به شکل قرینه لفظیه متصل یا منفصل و یا موارد واضح عقلایی و عقلی می‌توان اعتماد کنیم.

## پیش‌فرض‌های مخاطبین

اصل دیگری که در اینجا وجود دارد، این است که پیش‌فرض‌ها و مفروضات مخاطبین در فهم معنا مؤثر نیست. به‌عبارت‌دیگر آیات و روایات واردشده مشتمل بر هسته ثابت معنایی است که ما نیز بدان دسترسی داریم. این درواقع همان بحث‌های هرمنوتیک است که گفتیم نظریه نسبیت‌گرا در مقابل این اصلی است که بدان اشاره شد که این دو، دو نظریه کلان در فهم متون به شمار می‌آید.

## جمع‌بندی

حاصل کلام این شد که اصل بر هرمنوتیک عینیت گراست. این نوع در نصوص قانونی، حقوقی و فقهی واردشده است و درعین‌حال استظهارات و ظنی‌ات باقی است و ما قائل به مذهب تخطئه هستیم. در طرفی حکم برای اینکه مقبول باشد باید متکی بر فحص کامل و ورای تک منبعی بودن باشد تا بتواند به درجه نهایی خود برسد.

### اجزای فقه عقلی

فقه عقلی دارای سه گزاره است؛

اولین آن‌ها پایه بودن برای تحقیق و شکل‌گیری اندیشه الهی است، دوم اینکه گزاره‌های عقلی که مشمول قاعده ملازمه نیست، همان امری است که در سلسله معلولات احکام قرار دارد مانند وجوب اطاعت و احتیاط. و سوم مستقلات عقلیه است که در اصول بحث شده است. این موارد منظومه‌ای از گزاره‌هایی می‌شود که مربوط به فقه عقلی است.

#### رابطه اخبار خاصه و عامه

این ‌یکی از مباحث اساسی است که رابطه اخبار خاصه و عامه به چه صورت است؟

در این راستا سه نظریه کلی وجود دارد؛ نظریه اول این است که روایات و فقه ما حاشیه‌ای بر آنچه است که عامه دارند. این نظریه‌ای است که آقای بروجردی نسبت داده‌شده است. نظریه دوم که مبرهن آن را درجایی مشاهده نکرده‌ایم اما مسلک بسیاری از فقهاست و آقای حائری، خویی و شاگردانشان این نظریه رادارند، این است که برای آن هویت مستقل قائل هستند، مگر در مواردی که تعارض روی می‌دهد.

#### نظریه سوم

اما نظریه سوم که ظاهراً آن صحیح باشد، این است که اولاً تأکید می‌کند که این جریان مستقل است. به‌خصوص در غیر فقه و این جریان روایی ما استقلال و استواری بیشتری دارد ازآنچه عامه داشتند و به معنای عام قضیه، غیر امامیه حدیثشان متأخرتر است و به شکلی آن‌ها تحت تأثیر وجود اخبار و احادیث ما حرکت کردند. منتها نوع تأثرش فرق می‌کند که در جای خودش باید توضیح داد. اما موارد تأثر ما از آن‌ها بسیار محدود است.

لذا ما رأیی‌ای میانه را انتخاب می‌کنیم.